

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ح. بریالی
۲۶ اگست ۲۰۱۹

حاتم بخشی برای تروریسم طالب



همان گونه که در نوشته های قبلی به آن اشاره کرده ام که تعلق طالبان به مذهب حنفی دین اسلام و اتکاء بر سنت های عشیره ئی و مفاشات تمامی امپراتوری ها با یک چنین نخله قومی، سیاسی و مذهبی در طول تاریخ سیاسی افغانستان برگ برنده را به طالب به عنوان یک جنبش اسلامی که عصبیت قومی و مذهبی هر دو را همزمان نمایندگی می کند داده است. دقیقاً از چنین یک موضع ارتجاعی است که حتی کشوری مانند جمهوری جنایتکار اسلامی ایران که رسالت صدور تشیع به خارج از مرزهایش را متعهد است و قبلاً حتی تا مرز آغاز جنگ رو در رو به خاطر قتل عام دیپلماتهایش در مزارشریف در زمان امارت اسلامی طالبان آماده شد، نیز با اثر گیری از چنین مولفه ای نغمه حمایت از طالب را می نوازد و از مثلث عقبه سیاسی طالبان که در این اواخر و در رقابت قدرت های جهانی و منطقه ئی در وجود روسیه، چین و پاکستان شکل گرفته است، پشتیبانی می کند.

در چنین یک فضاء و ماحول سیاسی است که خوش خدمتی های فوق تصور و حاتم بخشی های کثیف برای دل به دست آوردن بیشتر، راضی نگهداشتن بیشتر طالبان و احترام به کلیت ساخت آنها نه به حیث باند ترور و وحشت اسلامی بلکه به حیث یک نیروی اصلی و معتبر سیاسی به صورت آشکار آغاز می شود و به موجی از رقابت میان مهندسان آینده

سیاسی افغانستان، سهم داران داخلی و کشور های حامی طالبان تبدیل می گردد. گرچه دلیل این خود شیرینی های قدرت های جهانی و منطقه ئی نسبت به طالبان به همگان آشکار است، ولی به برخی موارد آن به صورت خیلی خلاصه می پردازم.

نفس منفعت ایدئولوژیک سرمایه و ایالات متحده آمریکا بر اساس چنین یک فلسفه ای در استفاده از نیروهای پوپک زده مذهبی و ناسیونالیستی از مرحله ایجاد طالبان توسط پاکستان و به قدرت رسانیدن آنها و سرزنش آنها به نام مبارزه واهی علیه تروریسم همیشه و پیوسته آشکار بوده است. بر همین مبنا اراده اضمحلال طالبان و یا سایر نیروهای جهادی هیچ گاه در برنامه سرمایه داری جهانی وجود نداشته و همین منطق باعث شده است تا طالبان نه تنها از صحنه سیاسی دور انداخته نشوند بلکه به حیث نیروی ذخیره سیاسی به کار گرفته شوند. این دیدگاه و عملکرد سرمایه جهانی و در رأس آمریکا در مورد طالبان اثرات آشکارش را بر تعیین رویکردها و دیدگاه های ارتجاع داخلی در افغانستان نیز به جای گذاشته که پیوسته در سایه و زیر تأثیر مستقیم آن به صورت مشابه عرض وجود سیاسی می کنند.

الترناتیف آشکارا و رقیب "اشرف غنی" که می خواهد دوباره با اتکاء بر همان مؤلفه سمبولیک و ارتجاعی که در فوق به آن اشاره شد و نیز در رکاب خرده روشنفکران خارج دیده خود را بار دیگر به قدرت برساند یعنی "حامد کرزی" و تیمش حتی در همان زمان حکمرانی دو مرتبه ئی اش نه تنها هرگز نخواست طلایه دار هیچ گونه جنبش ضد طالبانی گردد بلکه تا توانست به کرنش و تمکین در برابر آنها مبادرت ورزید و علیه نفرت عمومی و انزجار سراسری بعد از سقوط طالبان قرار گرفت.

جلوگیری از عملیات های نظامی در مناطق اصلی نفوذ طالبان، تلطیف ادبیات سیاسی دولت الی برادر و از خود خواندن طالبان توسط وی و ده ها مورد دیگر اقداماتیست که برای تروریسم طالبی حیثیت و وجهه سیاسی جدید و امیدوارکننده بخشید و آنها را در تمام جبهه های سیاسی نظامی تشجیع کرد.

ضلع دیگری که به نام جبهه نیروهای سیاسی معروف شده است متشکل از احزاب جهادی و بقایای اخوان المسلمین می باشند که در تریبون های دوم اشتهار سیاسی موقعیت دارند و صف اصلی آنها را "گلبدین حکمتیار" و تیمش نمایندگی می کند، بدتر از تیم کرزی با طالبان نقاط مشترک سیاسی و مبارزاتی و ستراتیژی همگون داشته است که حتی در ملاء عام و رک و راست از طالبان حمایت می کند و سالها با هم مشترکاً در پخش تروریسم اسلامی در افغانستان سهیم بوده اند. این طیف سیاسی عمیقاً ارتجاعی با پاکستان مانند طالبان روابط همگون دارند و آماده اند تا هرگونه مخالفت علیه طالبان را عقب برانند و در حقیقت متحد نزدیک ایدئولوژیک و سنتی طالبان محسوب می گردند.

در چنین یک کشمکش و گیر و دار سیاسی، تیم "اشرف غنی" که در گام اول مذاکرات صلح با طالبان اکت و ادای نگرانی مدنی از آینده را در مواضعش نشان می داد و خود را در مثلث مذاکرات آمریکا با طالبان یک ضلع مهم معرفی می نمود و با ژست ها و اقدامات نمایشی به نام عزل و نصب عده ای از فیگور های مخالف سلطه طالبانی می خواست برای خود وجهه ای دست و پا کند، حالا با نزدیک شدن مواضع دو تیم دیگر با طالبان در راستای تلاشهای آمریکا و دادن چراغ های سبز به طالبان، برای نشان دادن اصلیت ارتجاعی خود تلاش نموده تا حتی بهتر از رقبای دیگر خلوص و نزدیکی خود را به طالبان و برای طالبان با اقدام به رهائی نهصد طالب تروریست از زندان های افغانستان به نمایش بگذارد.

اشرف غنی برای این امر به زندان پل چرخ می رود، یکجا با طالبان ادای نماز می کند و در مراسم مسخره افطار با آنها سهم می گیرد و متعاقب آن رهائی طالبان تروریست آغاز می شود و از جانب وی برای آنها عنوان سفیران صلح اعطاء می گردد.

اما در این میان مردم افغانستان که پیوسته و در همه شرایط اولین قربانیان تروریسم جهادی و طالبی بوده و بیشترین توان را پرداخته اند، این همه عقب نشینی در برابر طالب و تروریسم را دسیسه قدرت های بزرگ سرمایه داری در رأس امریکا و قدرت های رقیب امریکا و جمع ارتجاع داخلی افغانستان دانسته و به خصوص رهائی نهصد زندانی تروریست را به حیث رشوه بزرگ سیاسی برای حفظ بقایای مهره های ارتجاعی و تقویت کننده ماشین جنگی طالبان تلقی می کنند.

رهائی این تروریستها از زندان های افغانستان تصویر واقعی بی اعتنائی یک حاکمیت ارتجاعی ضد مردمی را که اپوزیسیونش امنیت و صلح و آزادی را حدود بیست سال به گروگان گرفته و وقیحانه از کشتارهای ده ها هزار نفری جامعه می گذرد نشان می دهد. این رهائی نه برای آزادی و صلح است بلکه گام آشکاریست برای محدود ساختن آزادی و آزادی در سرزمین بلا کشیده و در زنجیر افغانستان.